سینماحقیقت در عمل به نهادی بدل شده که مرزهای قابل‌قبول بازنمایی واقعیت را در فضای رسمی سینمای ایران تعریف می‌کند و تعیین می‌سازد که چه نوع مواجهه‌ای با واقعیت اجتماعی امکان بروز عمومی پیدا کند و چه نوعی به سکوت یا حذف سپرده شود. این جشنواره در طول حیات خود همواره در موقعیتی میانجی قرار داشته است؛ موقعیتی میان حقیقت اجتماعی و سیاست فرهنگی، میان خواست و جسارت فیلم‌سازان و محدودیت‌های نهادی، و میان نیاز به بقا در ساختار رسمی و مطالبه استقلال هنری. همین وضعیت دوگانه و گاه متناقض باعث شده سینماحقیقت به‌طور هم‌زمان محل فرصت و مناقشه باشد؛ فرصتی برای دیده‌شدن، گفت‌وگو و تثبیت مستند، و در عین حال میدانی برای کشمکش، اعتراض و نقد. بررسی ادوار مختلف این جشنواره، در واقع مطالعه تاریخ تحولات سینمای مستند ایران در نسبت با قدرت، جامعه و حافظه جمعی است، زیرا بسیاری از تغییرات گفتمانی و موضوعی مستند، نخستین بار در قاب این جشنواره آشکار شده‌اند. بدون فهم نقش سینماحقیقت به‌عنوان نهاد میانجی، فهم مسیر معاصر سینمای مستند ایران عملاً ناقص می‌ماند و تحلیل تولیدات مستند بدون توجه به این بستر نهادی، به خوانشی سطحی و ناتمام فروکاسته می‌شود.

ضرورت تأسیس جشنواره

پیش از تأسیس جشنواره بین‌المللی سینماحقیقت، سینمای مستند ایران با وجود پیشینه‌ای طولانی و حضور فیلم‌سازانی جدی و دغدغه‌مند، از فقدان یک جشنواره و محلی برای حضور مستندسازان رنج می‌برد؛ فقدانی که پیامدهای آن به‌طور مستقیم بر مسیر تولید، نمایش و حتی زبان مستند تأثیر گذاشته بود. مستندسازان اغلب ناگزیر بودند در چارچوب تلویزیون یا پروژه‌های سفارشی فعالیت کنند و همین وابستگی نهادی سبب می‌شد آثارشان بیش از آنکه تابع منطق مستقل سینمایی باشد، در خدمت نیازهای سازمانی و کارکردهای ازپیش‌تعریف‌شده قرار گیرد. در چنین وضعیتی، مستند به‌تدریج از جایگاه انتقادی و بازاندیشانه خود فاصله گرفت و در بسیاری موارد به ابزاری برای اطلاع‌رسانی، گزارش یا ثبت بی‌مسئله واقعیت تقلیل یافت. نبود جشنواره‌ای تخصصی و مستقل باعث شده بود سینمای مستند ایران فاقد حافظه سالانه و نظام ارزیابی منسجم باشد؛ به این معنا که امکان ردیابی روندها، مقایسه آثار و شکل‌گیری گفت‌وگوی انتقادی پایدار وجود نداشت. بسیاری از فیلم‌ها ساخته می‌شدند اما یا هرگز فرصت نمایش عمومی پیدا نمی‌کردند یا در چرخه‌ای بسته و محدود باقی می‌ماندند که مخاطب آن عمدتاً به حلقه‌های نهادی و غیرعمومی محدود می‌شد. این فرایند حذف تدریجی، مستند را به ژانری حاشیه‌ای بدل کرده بود که نه در متن سینمای ایران دیده می‌شد و نه در حافظه جمعی جامعه جایگاه روشنی داشت. ایده تأسیس سینماحقیقت دقیقاً در پاسخ به همین بحران ساختاری شکل گرفت؛ بحرانی که مسئله اصلی آن نه کمبود تولید، بلکه فقدان دیده‌شدن و مرجعیت فرهنگی بود. جشنواره با این هدف طراحی شد که مستند را از حاشیه بیرون بکشد، آن را وارد عرصه رقابت کند و زمینه‌ای برای شکل‌گیری حافظه نهادی فراهم آورد. این جشنواره از سال ۱۳۸۶ توسط مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی سازمان سینمایی و سمعی بصری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی آغاز به کار کرده‌است و از ابتدا مأموریتی فراتر از نمایش صرف آثار داشت و خود را به‌عنوان نهادی برای بازسازی جایگاه مستند در سینمای ایران تعریف کرد.

دوره نهادینه‌سازی و جهت‌گیری‌های محتوایی

دوره نهادینه‌سازی جشنواره سینماحقیقت به سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۱ بازمی‌گردد، مقطعی که دبیری جشنواره در سه دوره متوالی بر عهده شفیع آقامحمدیان قرار گرفت و سینماحقیقت به‌تدریج از یک رویداد نوپا و در حال آزمون به بخشی تثبیت‌شده از ساختار رسمی سیاست فرهنگی سینمای ایران تبدیل شد. در این مرحله، جشنواره دیگر با تردیدهای اولیه درباره اصل موجودیت خود مواجه نبود و مسئله اصلی آن، چگونگی تعریف نقش، کارکرد و حدود تأثیرگذاری‌اش در نسبت با نهادهای بالادستی و ساختار رسمی فرهنگ بود. این دوره با افزایش ثبات اجرایی، انسجام سازمانی و حمایت نهادی همراه شد و جشنواره توانست جایگاهی پایدارتر در تقویم فرهنگی کشور به دست آورد، اما همین پیوند عمیق‌تر با ساختار رسمی، پیامدهای محتوایی و گفتمانی مهمی به همراه داشت. حساسیت نسبت به موضوعات، فرم‌ها و زاویه نگاه مستندها افزایش یافت و سینماحقیقت بیش از گذشته به محل اعمال سیاست‌های فرهنگی بدل شد. تثبیت جایزه شهید آوینی به‌عنوان بخشی هویتی در همین دوره، نشانه‌ای روشن از جهت‌گیری‌های محتوایی جشنواره بود و به شکل‌گیری بحث‌های جدی درباره مرز میان مستند مستقل و مستند ایدئولوژیک دامن زد. بسیاری از منتقدان هشدار دادند که خطر اصلی این مرحله، تقلیل حقیقت مستند به روایت‌های ازپیش‌تعریف‌شده و محدودشدن امکان مواجهه انتقادی با واقعیت اجتماعی است، در حالی که مدافعان جشنواره بر ضرورت تعریف هویت فرهنگی و چارچوب‌های ارزشی تأکید داشتند. در نتیجه، سینماحقیقت در این دوره به میدان کشمکش گفتمانی تبدیل شد؛ کشمکشی که اگرچه تنش‌زا و پرهزینه بود، اما جشنواره را به نهادی زنده، مسئله‌مند و محل مناقشه عمومی بدل کرد و جایگاه آن را به‌عنوان رویدادی حذف‌ناپذیر در سینمای مستند ایران تثبیت نمود.

دوره بلوغ اجرایی جشنواره

دوره شش‌ساله دبیری محمدمهدی طباطبایی‌نژاد را می‌توان نقطه بلوغ اجرایی جشنواره سینماحقیقت دانست، زیرا برای نخستین بار ثبات مدیریتی بلندمدت در شش دوره متوالی امکان برنامه‌ریزی منسجم، هدف‌گذاری میان‌مدت و توسعه ساختاری جشنواره را فراهم کرد و آن را از وضعیت آزمون‌وخطا خارج ساخت. در این سال‌ها، سینماحقیقت به‌تدریج از یک رویداد صرفاً نمایشی فاصله گرفت و تلاش شد کارکردهای مکملی چون آموزش، شبکه‌سازی و توسعه حرفه‌ای نیز به هویت جشنواره افزوده شود. کارگاه‌های آموزشی، نشست‌های تخصصی و بازار فیلم مستند به بخش‌های ثابت جشنواره تبدیل شدند و سینماحقیقت به محلی برای تبادل تجربه، گفت‌وگوی حرفه‌ای و شکل‌گیری ارتباطات میان فیلم‌سازان، منتقدان و مدیران فرهنگی بدل شد. این دوره نقش تعیین‌کننده‌ای در معرفی نسل جدید مستندسازان ایفا کرد و بسیاری از فیلم‌سازان جوان نخستین مواجهه جدی خود با مخاطب، منتقد و داور را در همین سال‌ها تجربه کردند و از خلال همین مواجهه وارد جریان حرفه‌ای مستندسازی شدند. با این حال، در دل این موفقیت‌ها، تناقضی بنیادین شکل گرفت که به‌تدریج به یکی از مسائل اصلی جشنواره بدل شد؛ افزایش کمّی تولید، تنوع موضوعی و ارتقای نسبی کیفیت آثار، بدون آنکه سازوکاری پایدار برای پخش، اکران و دیده‌شدن عمومی مستندها ایجاد شود. همین شکاف میان تولید و نمایش باعث شد بسیاری از فیلم‌ها پس از حضور موفق در جشنواره، عملاً به چرخه‌ای محدود بازگردند و امکان ارتباط گسترده با مخاطب را از دست بدهند. این مسئله به یکی از نقدهای ساختاری ماندگار سینماحقیقت تبدیل شد و نشان داد که حرفه‌ای‌سازی اجرایی و گسترش ساختار جشنواره، الزاماً به حل مسائل بنیادین اقتصاد مستند و نظام توزیع آن منجر نمی‌شود، بلکه خود نیازمند سیاست‌گذاری مستقل و فراتر از چارچوب جشنواره است.

دوره نهادینه‌سازی جشنواره سینماحقیقت به سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۱ بازمی‌گردد، مقطعی که دبیری جشنواره در سه دوره متوالی بر عهده شفیع آقامحمدیان قرار گرفت و سینماحقیقت به‌تدریج از یک رویداد نوپا و در حال آزمون به بخشی تثبیت‌شده از ساختار رسمی سیاست فرهنگی سینمای ایران تبدیل شد

دوره تمرکز مدیریتی و تشدید مناقشه‌های اجتماعی

از دوره سیزدهم جشنواره، دبیری سینماحقیقت به‌صورت مستمر بر عهده محمد حمیدی‌مقدم قرار گرفت و این تداوم مدیریتی در هفت دوره متوالی، طولانی‌ترین دوره دبیری واحد در تاریخ جشنواره را رقم زد؛ امری که خود به یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این مقطع بدل شد. این دوره هم‌زمان با تحولات اجتماعی، سیاسی و رسانه‌ای گسترده‌ای بود که به‌طور مستقیم بر محتوای مستندها تأثیر گذاشت و باعث شد سینماحقیقت از یک رویداد تخصصی سینمایی به یکی از حساس‌ترین میدان‌های فرهنگی کشور تبدیل شود. در این سال‌ها، مستندها بیش از گذشته به مسائل شخصی، هویتی، زیسته و ملتهب اجتماعی پرداختند و فاصله آن‌ها با روایت‌های رسمی کاهش یافت، امری که جشنواره را ناگزیر در مرکز مناقشه‌های عمومی قرار داد. حذف یا عدم پذیرش برخی آثار، اعتراض‌های صنفی فیلم‌سازان، واکنش‌های گسترده رسانه‌ای و بحث‌های مکرر درباره خطوط قرمز محتوایی، به بخشی ثابت از فضای سینماحقیقت بدل شد و نشان داد که جشنواره دیگر صرفاً محل نمایش فیلم نیست. در عین حال، تنوع نسلی، فرمی و روایی آثار به‌طور